

دلار سرمایه گذاری شده است.

■ **ولی خودروسازها همچنان تولیدات زیر توافق با محیط زیست را در زمینه افزایش یورو ۵ دارند و امسال هم برخلاف قانون، خودروهای یورو ۴ را به بازار فرستادند. سازمان محیط زیست سال گذشته قول داده بود که اجازه ندهد خودروسازها در سال جاری خودروهای یورو ۴ به خیابانها بفرستند اما این اتفاق افتاد...**

از ابتدای سال جاری حتی مجوز یک خودرو تولیدی یورو ۴ را به خودروسازان نداده ایم اما ۵ هزار تاکسی و ۴۷۰۰ دستگاه وانت و نیسان ساخت سال گذشته، آماده تحویل بودند که مجوز توزیع آنها داده شد. ولی در سال جاری، راهنمایی و رانندگی اجازه شماره گذاری خودروهای یورو ۴ با موتور یورو ۴ را ندارد.

■ **اما یک سری از خودروها امسال بدون پلاک در خیابانها دیده شدند...**

این دیگر وظیفه راهنمایی و رانندگی است که ماشینهای بدون پلاک را بخواهاند، این وظیفه به محیط زیست بر نمیگردد.

■ **موضوع این است که خودروسازان قانون محیط زیست را دور میزنند.**

ببینید طبق قانون اگر خودرویی بدون پلاک باشد باید به طور کامل متوقف شود. البته خودرو بدون پلاک در خیابان نیست.

■ **آمارهای سازمان تحت نظارت خودتان میگوید که هست؟**

می دانم یک تعدادی [خودروی بدون پلاک] بود اما جمع کردند. قبلاً [خودروسازان] می گفتند تکنولوژی [ساخت] یورو ۵ را نداریم اما این مطلقاً واقعیت نداشت. تکنولوژی اش وجود داشت چون ۱۰ میلیون تومان هزینه ساخت هر ماشین بیشتری شد تولید نمی کردند.

■ **خودروسازان الان هم پای تحریمها و مسائل اقتصادی را پیش می کشند؟**

تحریمها و مسائل اقتصادی بهانه بود. افزایش هزینه ساخت هر ماشین دلیل اصلی خودداری آنها از تولید خودروی استاندارد بود. این هزینه هم از سود آنها پرداخت می شود. مسأله دیگری که ما موفق به حل آن تا حدودی شده ایم موضوع گرد و غبار است. خوشبختانه ما گرد و غبارهای وحشتناک سالهای قبل را نداریم.

■ **بسیاری کاهش گرد و غبارها را متأثر از بارش های دوسال اخیر می دانند.**

ببینید مسأله همین است، باران در کنار رعایت عوامل دیگر به کاهش تولید گرد و غبارها انجامید. اگر باران بیارد ولی ما مناطق را قرق نکنیم دوباره شاهد گرد و غبارها خواهیم بود. باران خاک را به کلوخ تبدیل می کند که در مقابل باد مقاوم است اما وقتی دام وارد می شود کلوخها را با سم به ذرات خاک تبدیل می کند دوباره گرد و غبارها بلند می شود. بنابراین ما با قرق، فرآیند تثبیت خاک را به دنبال افزایش باران تکمیل کردیم. البته بیشترین گرد و غبارهای مادر جنوب غرب کشور منشأ خارجی دارد و منشأ داخلی آن بسیار محدود است.

■ **نقش سازمان حفاظت محیط زیست در تثبیت گرد و غبار چیست؟**

سیاستگذاری آن به عهده محیط زیست است اما مجری آن منابع طبیعی است.

■ **اعتبارها همچنان دست محیط زیست است؟**

بله، اعتبارها را ما از محل صندوق توسعه ملی تخصیص می دهیم. البته در روشهای تثبیت گرد و غبارها تجدیدنظر شده است و روشهای ارزان قیمت با کارایی بیشتر، جایگزین روشهای گرانقیمت شده است. تنها روش سازمان جنگلها در گذشته کشت نهال بود که بسیار

گران تمام می شود. نگهداری آن سخت است و هر هکتار آن چند صد میلیون تومان هزینه در پی دارداما بررسیهای مان نشان می دهد که با قرق کردن می توان به نتیجه بهتری رسید. مایشنهاده دادیم از اول امسال تمام روشها عوض شد. سازمان جنگلها در طی دهه ها سال دنبال کاشت نهال بود اما تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد این نهالها می ماند و ۷۰ درصد آنها از بین می رفت. از سوی دیگر چون محدودیت اعتبار هم داشتند نمی توانستند وسعت زیادی را هم نهال کاری کنند. مثلاً با ۱۰۰ میلیارد تومان می توانستند حداکثر دو هزار هکتار را نهال کاری کنند در صورتی که با همین میزان اعتبار می شود بیش از ۳۰۰ هزار هکتار را قرق کرد.

■ **البته در حوزه نهال کاری بحث مشارکت مردمی و ایجاد شغل جایگزین به جای دامداری و توجه به معیشت جوامع محلی در طرحهای زیست محیطی و مرتعی بسیار مهم است.**

ببینید ایجاد اشتغال یک مسأله است و جلوگیری از گرد

تمام هزینه ای که ژاپنی ها
برای بررسی مشارکت
اجتماعی در دریاچه
ارومیه صرف کرده اند
یک و نیم میلیون دلار
است در حالی که دولت
بیش از یک میلیارد دلار
سرمایه گذاری کرده
است؛ یعنی هفتصد برابر
ژاپنی ها اما هزینه دولت
دیده نمی شود ولی مدام
می گویند ژاپنی ها آمدند
و در احیای دریاچه ارومیه
سرمایه گذاری کردند

و غبار مسأله دیگری. نباید اینها را به هم وصل کرد و گرنه شما همیشه باید در گرد و غبار زندگی کنید. ما و سازمان جنگلها موظف به ایجاد شغل نیستیم.

■ **بله، ایجاد شغل وظیفه این دو دستگاه نیست اما تجربه نشان داده، بدون مشارکت مردمی و توجه به اقتصاد خانواده ها نمی توان از منابع طبیعی و محیط زیست حفاظت نتیجه بخش کرد. چون شما با قرق از درآمدزایی بیشتر دامدار جلوگیری می کنید.**

ما می گوئیم مثلاً دامدار در دشت های خوزستان برای چرا ی گاوها ۲۰ کیلو گرم در هکتار گیاه خشک می خواهد. هر کیلو گیاه خشک ۱۰۰ تومان می شود. یعنی هزینه تأمین آن علوفه ۲۰۰ هزار تومان است اما اگر بخواهیم یک هکتار نهال کاری کنیم ۲۰۰ میلیون تومان هزینه می خواهیم.

■ **من متوجه صحبت شما هستم اما شما هم می دانید ایجاد شغل یکی از بیش نیازهای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست است قطعاً روستایی گرد و غبار را به تنگدستی ترجیح می دهد.**

دامداران دو گروه هستند، دامدار قانونمند و غیر قانونمند. یعنی یا مجوز دارند یا ندارند. آنهایی که مجوز دارند، خسارت شان داده می شود به آنهایی هم که مجوز ندارند خسارتی پرداخت نمی شود. به خاطی و دزد که نباید پول داد! تمام اینها هم هزینه اش کمتر از یک درصد هزینه نهال کاری است، عملکرد به مراتب بالاتری هم دارد. بله

ایجاد اشتغال در حوزه نهال کاری باعث شده بود که سازمان جنگلها به این مسیر هدایت شود اما کارایی نداشت.

■ **یکی از روشهای تثبیت گرد و غبارها که منتقدان زیادی دارد مالچ پاشی است. مستنداتی هم وجود دارد که نشان می دهد مالچها در مناطقی با پوشش گیاهی پاشیده می شود.**

ببینید برنامه این بود که از مالچهای سازگار با محیط زیست استفاده شود. در سه سال گذشته هم بیش از ۷۰ نوع مالچ داخلی و خارجی را آوردند اما تأیید و مجوز استفاده از آنها را صادر نکنیم. جز یکی دو مالچ خارجی، هیچ کدام از آنها سازگار با محیط زیست نبود. آن دو نوع هم بسیار گران در می آمد. بنابراین ما بین انتخاب بد و بدتر قرار گرفتیم. یعنی یا باید هفت، هشت روستای خوزستان با حدود چهار هزار خانوار زیر خاک می رفت یا مالچ نفتی بپاشیم. امکان جابه جایی آنها هم وجود نداشت. کجا باید می رفتند؟! ■ **سازمان جنگلها می گوید من موافق مالچ پاشی نیستم**



اما مجلس، سازمانها و ارگانها را از جمله سازمان جنگلها را موظف به استفاده از مالچ کرده است. یعنی یک نوع اجبار نه در مان در این موضوع وجود دارد به نظر شما این مسأله منطقی است؟! ■ **این یک مسأله دیگری است و به ما ربطی ندارد.**

■ **بالاخره مالچ پاشی اجباری هم به محیط زیست آسیب می زند.**

مالچ در هر منطقه ای استفاده نمی شود. مسأله همان ۷-۸ روستای خوزستان است که پوشش گیاهی هم ندارد.

■ **مستندات و عکسهای ما چیز دیگری می گوید و وجود پوشش گیاهی در برخی از مناطق مالچ پاشی شده را اثبات می کند.**

تخلف سازمان جنگلهاست.

■ **شمار عملکرد سازمان جنگلها نظارت ندارد؟**

چرا ولی ۵-۴ هزار هکتار به اجبار مالچ پاشی شد. گفتیم انتخاب بین بد و بدتر است. ارزش زندگی انسانها کمتر از یک سوسمار نیست. جوسازیهای بیش از حد می شود که البته به نفع محیط زیست است اما واقعیتها در آن نیست. مثلاً همین آتش سوزیها در خائیز که رسانه های خارجی هم به آن پرداختند. حتی یک حیوان زنده هم در آن نسوخت. عکسها متعلق به لاشه یک حیوان مرده بود.

■ **البته در آتش سوزی خائیز تنها گونه های حیوانی نبودند و گونه های گیاهی و درختی زیادی از بین رفت.**